

دانیال کمانکش، بازیگر:

حوزه کودک و نوجوان بر اهمیت است

حد این مفاهیم منتقل می‌شوند؟
خیلی زیاد! یکی از نکاتی که به نظر من در حال حاضر در نمایش کودک و نوجوان کمتر به آن اهمیت داده می‌شود این است که نمایش کودک و نوجوان برای اینکه بتواند تاثیر خیلی زیادی بر پویا بودن جامعه بگذارد باید بتواند به درستی آموزش دهد و ولی متأسفانه در نمایش های کودک و نوجوان به مسائل محیط زیستی و احترام انسان‌ها به محیط زیست کمتر اهمیت داده می‌شود و یکی از جذابیت‌هایی که این نمایش دارد ارتباط آدم‌ها با محیط زیستشان است و اینکه دو بچه با یک نهنگ که شرایطش را شبیه به شرایط خودشان و خانواده‌شان می‌بینند ارتباطی انسانی می‌گیرند. خب این خیلی مسئله جذابی است و این ارتباطی که بین انسان و محیط پیرامونش وجود دارد دغدغه مهم و بزرگی است که در این نمایش می‌بینیم و من مخاطبان کودک و بزرگسال زیادی را می‌بینم که بعد از نمایش می‌آیند و از این رفتار کاراکترها با طبیعت و حیوانات و اهمیتی که برایشان داشته می‌گویند. بنابراین به نظر من می‌توان در این زمینه نمایش‌های زیادی تولید کرد که همینقدر تاثیرگذار باشد.

سخن پایانی

حوزه کودک و نوجوان، حوزه پر اهمیتی است که متأسفانه هم از سمت والدین هم از سمت مسئولین کمتر مورد توجه قرار گرفته است در صورتی که همیشه شیرین‌ترین خاطرات آدم‌ها از دوران کودکی و نوجوانی‌شان نشأت می‌گیرد و این دوره خیلی مهمی است و می‌تواند تاثیر زیادی بر زندگی فرد بگذارد. بنابراین با توجه به تاثیر نمایش‌های کودک و نوجوان بر این بخش از زندگی افراد این حوزه باید مورد اهمیت و توجه بیشتری قرار بگیرد.

با توجه به اینکه کاراکترها پیش‌تر رئالیستی هستند تا فانتزی، با چه چالشی روبرو بودید؟ چون اکثر بازیگران کار کودک کاراکترها را به صورت فانتزی ارائه می‌کنند.

خیلی متشکرم از سوالتان چون واقعا سوال بسیار درستی است. مادر بازیگری نمایش‌های کودک با وجوه فانتزی و رنگ و لعاب‌های عجیب غریب کار می‌کنیم اما زمانی که به این نمایشنامه بر خورد کردم دیدم که شخصیت عبد یه شخصیت کاملاً رئالیستی با خلق و خوی از دل جامعه است به همین خاطر یه سری چالش‌ها بود اینکه ابتدا چگونه یک شخصیت واقعی در نمایش کودک خلق کنیم و وقتی این شخصیت را خلق کردم چگونه باید آن عبد برای بچه‌ها شیرین باشد. چون طبیعتاً اگر یک عبد در زندگی واقعی بود آنقدر نمی‌توانست شیرین باشد و رسیدن عبد به این مرحله برای من چالش‌های جذابی داشت.

ما در فیلم‌ها و آثار سینمایی، کاراکترهای جنوبی جذابی دیده‌ایم. آیا شما در پرداخت به عبد چنین گره برداری هم داشتید؟

خب ما چون مشاور لهجه داشتیم در بحث لهجه به ما کمک کردند ولی برای اینکه به شخصیت‌مان برسیم و بتوانیم آن خلق و خور را در بیاریم، یه سری از فیلم‌ها که با لهجه جنوبی کار شده بود را دیدیم مثل فیلم ناخدا خورشید و فیلم‌های دیگری که با حال و هوای جنوبی تولید شده، تا بتوانیم به آن فضا برای عبد برسیم.

در رابطه با ابعاد مختلف اثر مثل ارتباط انسان با حیوان‌ها، آشتی انسان با طبیعت و تجاوز نکردن انسان به طبیعتش چه باز خوردی گرفته‌اید و به عنوان یک بازیگر فکر می‌کنید که تا چه



یک شکل کلی از شماتیک اجرا در داستان خواهد بود. من نیز از همان روز اول این قرار را با خود داشتم که دنیای زیر آب را نشان بدهم و به مرور زمان به آن فکر کردم اما نتیجه‌ای که به آن رسیدم این بود که به ساده ترین شکل ممکن این دنیای زیر آب را نشان بدهم در حالیکه می‌توانستم سراغ دنیای تکنیک بروم اما ترجیح دادم با بازی نور و حباب و عروسک این کار را به شکل ساده انجام دهم. در این راستا چندین بار در خانه توی ماکت این طرح را تست کردم و وقتی نتیجه گرفتم، با ایمان آن را روی صحنه آوردم و از طراح صحنه و نورم خواستم که این فضا را طراحی کند و ماحصلش شد این صحنه که شما دیدید و الحمدلله جزو صحنه های خوب کار است. در این راستا با طراح صحنه و عروسک کار خانوم مژده ذکر یاپور که از عروسک‌سازان و طراحان زبردست هستند همکاری داشتم و این امر با حضور این عزیزان محقق شد. با اینحال هر چند که هر قاب و لحظه‌ای از صحنه اهمیت خودش را دارد ولی باور دارم که در یک نمایش نیازی نیست که مدام از همین صحنه‌ها خرج کنید و کافی است که تماشاچی مثلاً هر ۱۵ یا ۱۰ دقیقه یکبار همچین صحنه‌ای را ببیند تا از لحاظ بصری و ذهنی دوباره آرامشی بگیرد و گوشش شنواتر به ادامه داستان باشد.

سخن پایانی

این نمایش بر اساس آیه‌هایی از قرآن ساخته شد و زمانی که این سفارش به من داده شد اولین چیزی که مرا جلب کرد این دو آیه قرآن بود که برای من خیلی مهم بود از سوره زلزال که هر آنچه که می‌کنی بازگشتش به خودت است و همان موقع من تمام همت و توانم را برای تولید یک کار حرفه‌ای گذاشتم از این جهت که حداقل جلوی خدا سر بلند باشم و کاری که بر اساس آیه‌های قرآن است اثر خوبی باشد و شاید اگر موقعیت دیگری بود به خودم انقدر سختی نمی‌دادم. ما تمام این مسیر را با قلبمان پیمودیم و شاید باور تان نشود ولی تمام عوامل این اثر به نوعی دستچین شده‌اند و بسیاری از افراد که قرار بود جزء عوامل این کار باشند تغییر کرده‌اند مانند نویسنده این کار که چند بار عوض شد بنابراین، این افراد دست چین شدند برای اینکه این کار را انجام بدهند و امیدوارم که بچه‌ها بتوانند بیایند و این کار را ببینند، همینطور خانواده‌ها این کار را ببینند و از آن استفاده کنند چون فرصت بسیار کم است و تأثیرهایی که اینگونه حرف می‌زنند هم خیلی کم هستند.

می‌توانند با این بخش اثر همذات پنداری کنند.

در میزانشن‌ها نکته اصلی توجه به آن بعد حرفه‌ای اثر بود و برخلاف بسیاری از نمایش‌های کودک، اثر یک فرم حرفه‌ای‌تر را دنبال می‌کرد.

من معمولاً در تمام کارهایم سعی کرده‌ام به این قضیه توجه داشته باشم، یعنی مخاطبم را در مورد این قضیه جدی بگیرم تا وارد به اسلوب حرفه‌ای از تأثیر شود بنابراین تا آنجایی که در توانم بوده روی میزانشن‌ها، گرافیک، رنگ، نور، موسیقی و گویش درست بازیگران، رفتارها و کیش‌هایشان دقت زیادی می‌کردم مخصوصاً که مخاطبم کودک است و وقتی مخاطبم کودک است حساسیت من صد برابر بیشتر می‌شود بخاطر اینکه خودم را موظف میدانم که به آنها شکل دقیق و درستی از یک پدیده را نشان بدهم چون معتقدم که وقتی شما با کودک مواجه هستید دیگر نمی‌توانید غل و غشی در کار بیاورید و همه چیز باید در شکل درستش باشد البته منظورم این نیست که دوستانی که این کار را نمی‌کنند غل و غشی در کارشان هست بلکه منظورم این است که من حساسیت بیشتری دارم و تفاوتی هم بین تأثیر کودک و بزرگسال نمی‌بینم حتی تأثیر کودک را حساس‌تر می‌دانم. بنابراین تأثیر پدیده‌ای است که به سری المان‌ها دارد و باید آن المان‌ها در اجرا بکار گرفته شود و روی صحنه بیاید تا بتوانیم آنرا تأثیر بنامیم و وقتی آن المان‌ها را نداریم می‌توانیم اسم‌های دیگری مثل جنگ، شو یا هر چیز دیگری روی آن بگذاریم از این بابت من و گروه هم همیشه سعی می‌کنیم به جزئیات و میزانشن تا آنجا که می‌توانیم بپردازیم که گاه امکانات سالن اجازه می‌دهد و گاه خیر و بر همین اساس هر چقدر که توان آن لحظه ما باشد را انجام می‌دهیم.

در حین دیدن این نمایش احساس کردم که شاید چالش برانگیزترین لحظه نمایش برای شما به عنوان کارگردان نشان دادن دنیای زیر آب بوده است

فکر می‌کنم از لحظه اولی که کارگردان با متن درگیر می‌شود و قبل از اینکه گروه و طراحانش را انتخاب کند خودش یک دوره تمرینی با متن دارد که باید سپری شود. وقتی به عنوان کارگردان روی متن کار می‌کنید و لحظه به لحظه متن را می‌سازید و وارد صحنه‌های بعدی می‌شوید تا به پایان،

